



Biannual Scientific Journal of *Avicennian Philosophy*
Vol. 28, No. 71, Spring and Summer 2024, *Research Article*

Avicenna on the Methods of Intellectual Education

Zahra Mohammadi khoshoei¹, Reza ali Nowrozi²
Forough Al Sadat Rahimpour³

DOI: 10.30497/ap.2024.245943.1670



Abstract

Thought is a fundamental and intrinsic characteristic of humans, setting them apart from other beings. For this reason, one of the influential factors in education is the cultivation and strengthening of the rational faculty. In Islamic philosophy, rational education has also been given serious attention. The main purpose of this research is to explain the methods of rational education in Ibn Sina's philosophical system. To achieve this goal, a descriptive-analytical method has been used. The research population includes the works of Ibn Sina, from which materials related to philosophical and educational foundations and methods of rational education have been purposefully selected. The findings indicate that the methods of rational education should be in line with the goals and principles and in accordance with them, and should guide the learners to choose the correct rational path and enrich the levels of reason until they reach the ultimate goal of rational education -which is divine proximity. These methods include cultivating creativity (creating a creative space), cultivating reason (through play and argumentative dialogue), question-based dialogue, participation, controlling the excesses of the soul, intellectual intuition, and the method of asceticism, which have been identified and explained. The application of the aforementioned methods can be effective in creating a foundation and smoothing the path for rational education in the educational system.

Keywords: intellectual education, question-oriented dialogue, emotional outbursts, seeking participation, Avicenna

1. Ph.D. student of Philosophy of Education, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

mohammadi.zahra3787@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

nowrozi.r@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

fr.rahimpour@gmail.com

روش‌های تربیت عقلانی از نگاه ابن‌سینا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

زهرا محمدی خشوئی^۱

رضاعلی نوروژی^۲

فروغ السادات رحیم‌پور^۳

چکیده

انسان به‌عنوان موضوع تربیت دارای تعقل و تفکر است و تفکر از ویژگی‌های بنیادین و ذاتی انسان و وجه تمایز او از سایر موجودات است. یکی از عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت پرورش و تقویت نیروی عقل است؛ به‌همین دلیل در اندیشه‌های اسلامی به تربیت عقلانی جدّاً توجه شده است. هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین روش‌های تربیت عقلانی در اندیشه ابن‌سینا است. برای دستیابی به این هدف از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. جامعه تحقیق شامل آثار ابن‌سینا است که از میان آن‌ها مطالب مرتبط با مبانی فلسفی- تربیتی، روش‌های تربیت عقلانی به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که روش‌های تربیت عقلانی باید در امتداد اهداف و اصول و مطابق با آن‌ها باشد و مُتربیان را جهت انتخاب راه عقلانی صحیح و غنی‌سازی مراتب عقل تا رسیدن به هدف غایی تربیت عقلانی - که همان قُرب الهی است - هدایت‌کنند. این روش‌ها شامل پرورش خلاقیت (ایجاد فضای خلاق)، پرورش تعقل (با بازی و گفت‌وگوی استدلالی)، گفت‌وگوی پرسش‌محور، مشارکت‌جویی، مهار طغیان‌های نفسانی، شهود عقلی و روش پارسایی بودند که شناسایی و تبیین شدند. به‌کارگیری روش‌های فوق‌الذکر می‌تواند در بسترسازی و هموارکردن تربیت عقلانی در نظام آموزشی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: تربیت عقلانی، گفت‌وگوی پرسش‌محور، طغیان‌های نفسانی، مشارکت‌جویی، ابن‌سینا.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

mohammadi.zahra3787@gmail.com

nowrozi.r@gmail.com

۲. دانشیارگروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

fr.rahimpoor@gmail.com

۳. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مقدمه

عقلانیت از ویژگی‌های ذاتی انسان و وجه تمایز وی از دیگر موجودات است. یکی از عوامل مؤثر در نظام آموزشی، پرورش و تقویت قوه عقل است که در اندیشه اسلامی در سازماندهی به نظام فکری به آن اهمیت زیادی داده شده است؛ به طوری که بعضی اندیشمندان معتقدند عقل و پرورش آن یکی از بنیادی‌ترین بخش‌های تربیت اسلامی محسوب می‌شود. نیروی عقل - که در وجود آدمی نهاده شده و برای رسیدن به سرمنزل مقصود که همان سعادت است - احتیاج به تربیت و هدایت دارد. با عنایت به پرورش صحیح قوه عقلی است که انسان می‌تواند به خودباوری و تکامل در ابعاد رشد دست یابد. به منظور مهیامودن شرایط لازم برای پرورش ادراک و تفکر انسان در تقابل با جهان هستی، تربیت عقلانی ضرورت پیدامی‌کند. اهمیت تربیت عقلانی در این است که یکی از اهداف اساسی دین اسلام تشکیل حکومت و دولت عقلانی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۲۲). در جامعه‌ای که به پرورش بُعد عقلانی انسان توجه کافی نشود، انسان بی‌هویت و از مبانی دینی خود غافل خواهد شد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲). جایگاه تربیت عقلانی در تزکیه و تهذیب نفس انسان و سازندگی جامعه چنان مشهود است که بعضی از چالش‌های اخلاقی امروزی را منوط به کم‌رنگ بودن نقش عقل در زندگی دانسته و نیز آن را از شروط توفیق تربیت در سایر جنبه‌های انسانی قلمداد کرده‌اند (علائی، ۱۴۰۰، ص. ۱۲).

برای «عقل» در کتب لغت معانی مختلفی مانند امساک، نگه‌داشتن و گره‌زدن، دانش و درک و فهم حقایق و تشخیص حق از باطل ذکر شده است (راغب، ۱۳۷۴، ص. ۵۷۸). در فرهنگ دهخدا واژه «عقل» مصدر و به معنای «بند در پای بستن» است؛ زیرا خرد و دانش مانع رفتن انسان به سمت رفتار زشت می‌شود (دهخدا، ۱۳۴۱، ص. ۳۷۰). عقل یکی از ابزارهای کسب معرفت و اثرگذار در رشد و تربیت انسان است. از نظر لغوی «عقل» مخالف «جهل» است و در اصطلاح به معنای «بستن و گره‌زدن» و «آن چیزی است که به وسیله آن خیر و شر و حق و باطل تشخیص داده می‌شود». است (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص. ۵۵). مفهوم عقل برای اولین بار با تعبیر «نوس» به وسیله آناکسا گوراس^۱ وضع شد و با تقسیم‌بندی نظری و عملی

1. Anaxa Goras

گسترش یافت. در عصر جدید عقل دارای ابعاد متنوعی است. عقل از دیدگاه فیلسوفان اولین موجودی است که خداوند آن را خلق کرده است که جوهری بسیط و روحانی است. «عقل» مفهومی است که عموم مردم از آن درک می‌کنند: قوه‌ای از قوای نفس انسانی است که ویژگی آن تفکر، اندیشه، نطق و غیره است. عقل میزان تشخیص حق از باطل، سود و زیان، ثواب و عقاب و نیروی دوراندیشی و ارزیابی در زندگی مادی و معنوی (عقل نظری)، مهار نفس بر اساس شناخت (عقل عملی) و بزرگترین نعمت خداوند متعال برای بشر است که انسانیت انسان وابسته به آن است (باقری، ۱۳۹۴، ص. ۲۴). عقل یکی از قوای نفسانی انسان است و در مقابل قوه خیال و حس قرار دارد (ابن‌سینا، ۱۳۶۳، ص. ۹۶) عقل از دیدگاه فیلسوفان اولین موجودی است که خداوند آن را خلق کرده است که جوهری بسیط و روحانی است.

تربیت اعتدال‌بخشیدن و فراهم‌نمودن زمینه‌ها، قابلیت‌ها و عوامل مؤثر برای به فعلیت رساندن و شکوفانمودن استعداد های انسان در جهت مطلوب است (شکوهی یکتا، ۱۳۸۷، ص. ۴). تربیت جنبه هنجاری و تجویزی دارد و هر نظام تربیتی برحسب ارزش‌های خود تربیت را تعریف می‌کند؛ به همین جهت دارای تعریف واحدی نیست (باقری، ۱۳۹۴، ص. ۲۳). تربیت عقلانی مجموعه تدابیر و اعمالی است که به‌طور منظم و سازمان‌یافته موجبات رشد و پرورش عقل را در دو حیطه نظری و عملی، جهت دستیابی به اهداف مطلوب فراهم می‌آورد. در اسلام نیز تربیت به مالکیت و تدبیر الهی در مخلوقات خود اشاره دارد و به خداوند منسوب است. تربیت شناخت خداوند به‌عنوان یگانه رب انسان و جهان، برگزیدن او به‌عنوان رب خود و تن‌دادن به ربوبیت او و تن‌زدن از ربوبیت غیر تعریف می‌شود. عناصر اصلی این تعریف شناخت، انتخاب و عمل است (باقری، ۱۳۹۴، ص. ۶۱). تربیت عقلانی عبارت است از مجموعه‌ای از تأثیرات عمدی و هدفدار یک انسان (مربی) بر انسان دیگر (متربی) به‌منظور توسعه و رشد نیروی عقلانی است. تربیت عقلانی بستر سازی برای رشد و پرورش قوه عقل و تفکر انسان به‌وسیله مجموعه اعمال سازمان‌یافته در هر دو جنبه نظری و عملی است. وجه تمایز تربیت عقلانی از تربیت‌های دیگر گذار متربی از احساسات خام به تعقل در یک فرایند تدریجی است (داودی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳). در دیدگاه ابن‌سینا تربیت در بعد عقلانی شامل عقل نظری و عملی است. هدف او در حیطه عقل نظری این است که مراتب عقل را از عقل

هیولانی تا رسیدن به مرتبه عقل مستفاد در پرتو ارتباط با عقل فعال طی‌کند و در حیطه عقل عملی در پرتو معرفت عقلانی از خردمندی به خردورزی برسد. عقل عملی از نظر او قوه‌ای است که نفس به واسطه آن به تدبیر بدن می‌پردازد.

عقل عملی دستورالعمل کارهای جزئی را که انجام‌دادن آن بر انسان لازم است از مقدمات بدیهی و تجربی بیرون می‌آورد تا به اهداف اختیاری‌ای که دارد دست‌یابد و در این کار از «عقل نظری» کمک می‌گیرد تا به نحوه انجام امور جزئی برسد (ابن‌سینا، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص. ۳۵۲).

قوه دیگر «نفس ناطقه» قوه عالمه است که نفس برای کامل نمودن گوهر خود به آن نیازمند است تا بتواند خود را به مرحله عقل بالفعل برساند (ابن‌سینا، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص. ۳۵۳). قوه نظری قوه‌ای است که شأن او انطباق صور کلی مجرد از ماده در آن است. اگر این صور کلی به‌طور ذاتی مجرد باشند، قوه نظری به‌راحتی می‌تواند صورت آن‌ها را در خود بگیرد و اگر این صور کلی مجرد نباشند، به‌واسطه تجرید قوه نظری مجرد می‌شوند تا در آن از روابط مادی آثاری باقی‌نماند (ابن‌سینا، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۱). ابن‌سینا برای عقل نظری مراتبی را در نظر گرفته است. عقل بالقوه نخستین مرتبه عقل نظری است. در این مرحله هیچ‌چیز از قوه به فعلیت نرسیده و کمال مناسب و مساعدی را قبول نکرده است. این مرحله در همه انسان‌ها موجود است و به‌علت شباهت آن با هیولای اولی «عقل هیولانی» نام‌گذاری شده است (ابن‌سینا، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۲). در این مرتبه به‌صورت بالقوه استعداد یادگیری هر چیز در انسان وجود دارد. عقل بالملکه دومین مرتبه از عقل نظری است. در این مرحله معقولات اولی یا بدیهیات برای عقل حاصل شده تا از طریق آن‌ها بتواند به معقولات تازه دست‌یابد. معقولات اولی، بدیهیاتی اند که تصدیق آن‌ها نیاز به احساس، اکتساب و تعلیم ندارند؛ بلکه توسط فطرت برای عقل حاصل می‌شوند (ابن‌سینا، ۱۳۷۱، ص. ۶۶). عقل بالفعل، سومین مرحله عقل نظری، منبعی از معقولات شامل معقولات اولیه و ثانویه یا منبعی از اطلاعات یا مسائل نظری است که برای رسیدن به این مرحله شخص بر پایه اولیاتی که برای عقل بالملکه به‌دست آمده به کسب نمودن معقولات ثانی می‌پردازد تا این معقولات هم برایش حاصل شود (ابن‌سینا، ۱۳۶۴، ص. ۳). عقل مستفاد چهارمین مرحله از عقل نظری است. در این مرحله صورت معقوله نزد عقل حاضر است و عقل بالفعل آن را تعقل می‌نماید (ابن‌سینا، ۱۳۷۱، ص. ۶۷). با رسیدن به این مرحله

جنس حیوانی انسان دارای نوع انسانی و تمام و کامل می‌شود و قوه انسانی به مبادی نخستین شباهت می‌یابد (ابن‌سینا، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۳). تربیت عقلانی خلق شرایطی برای رشد و پرورش عقل بالقوه به مرتبه عقل مستفاد است؛ بنابراین امر تعلیم و تربیت باید با جریان رشد عقلی مترقی متناسب باشد. یادگیرنده آنچه را می‌تواند یادبگیرد که با توانایی‌های ذهنی و مقتضیات رشد عقلی وی همخوانی داشته‌باشد. بیان ابن‌سینا در رابطه با عقل و مراتب آن - که گفته شد - به صراحت بیانگر لزوم اعمال تربیت عقلانی مناسب با ویژگی‌های هر مرحله است؛ لذا با شناخت روش‌های تربیت عقلانی مناسب می‌توان راه را برای نیل به این هدف هموار کرد.

رشد عقل در فضای روحی و روانی مناسب و با تقویت جنبه‌های معنوی و تعدیل تمایلات نفسانی در انسان حاصل می‌شود که در این میان تربیت عقلانی یکی از جنبه‌هایی است که نقشی اساسی در تربیت انسان ایفا می‌کند و او تحت پرورش قوه عقل به شکوفایی و تکامل در تمامی ابعاد رشد دست‌پیدامی‌کند. عقل تربیت‌یافته می‌تواند انسان را از لغزش‌ها مصون دارد؛ لذا این بُعد باید با به‌کارگیری روش‌های متناسب خود رشد یابد. عقل حقیقت هر مسئله‌ای را به‌وسیله آموزش و مطالعه عمیق کسب می‌کند. طراحی جهان را باید عقلانی پنداشت و تربیتی موردپذیرش و قبول است که بتواند عقل را رشد و پرورش دهد و این عقل قادر باشد به نظم جهانی پی‌برد (ابن‌سینا، ۱۴۰۰، ق، ص. ۲۶۲). هدف از تربیت عقلانی همان اندیشه‌ورزی است که براساس علم و دانش و عمل حقیقت‌یابی می‌کند. (ابن‌سینا، ۱۴۰۰، ق، ص. ۲۶۳). اهمیت شدید شناخت روش‌های تربیتی هنگام مطالعه عمیق و تلاش برای یافتن راهکارهای اجرایی مسائل تربیتی و صورت‌بندی منابع و اطلاعات موجود احساس می‌شود. با استفاده از روش‌های مناسب تربیت است که مترقی با اندیشه خود چیزی را می‌شناسد، باور می‌کند، تصمیم می‌گیرد و به آن عمل می‌نماید (احسانی، ۱۳۹۴، ص. ۳).

در اینجا به چند نمونه از جدیدترین پژوهش‌هایی که در ارتباط با تربیت عقلانی انجام شده، اشاره می‌گردد. نوروزی و حاجیانی (۱۴۰۱) در تحقیقی به «بررسی موانع تربیت عقلانی از دیدگاه هگل» به روش تحلیل محتوا پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که خودمحوری، ترس، تجریدگرایی، شکاکیت سلبی و ریاضت‌کشی از موانع فردی تربیت عقلانی از دیدگاه هگل است و فایده‌باوری، جماعت‌باوری، تظاهر و ریاکاری و ترس از قضاوت منفی از موانع

اجتماعی تربیت عقلانی است. نوروزی، غلامی، حیدری و سپاهی (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «روش‌های تربیت عقلانی در روی‌کرد فیض‌محور فلوطین» به این نتیجه رسیدند که روش‌های تربیت عقلانی مبتنی بر تحول وجودی شامل خیرخواهی، تعالی معرفتی نفس، کنش‌گری و روش‌های مبتنی بر تحول معرفتی شامل تعاملات عقلانی، شهودی و بصیرتی می‌شود و راه‌های دستیابی مبتنی بر اعتدال و عقل عملی شامل تمرین فرزاندگی و تهذیب نفس اند. در پژوهشی که توسط بهشتی، علایی و سلحشوری (۱۴۰۰) با عنوان «بررسی مبانی معرفت‌شناسی غزالی و ملاصدرا و دلالت‌های آن بر تربیت عقلانی» با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی آن انجام‌شد. نتایج حاکی از آن بود که این دو متفکر دربارهٔ بعضی از مبانی معرفت‌شناسی، از جمله عقل به‌منزلهٔ امکان کسب معرفت برای همگان، عقل به‌مثابه منبع شناخت، طبیعت به‌مثابه منبع شناخت، قلب به‌مثابه منبع شناخت، تقویت حواس ظاهری (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه) و حواس باطنی (خیالی) دارای نقاط اشتراک و از لحاظ حصول ماهیت اشیاء و تحقق صور در اذهان، تقدم معارف حسی در معارف عقلی، آشنایی با سرگذشت و شرح حال پیشینیان، بصیرت‌افزایی، استكمال عقلی، ایجاد اتحاد بین عالم و معلوم، استمداد از منابع شرع مقدس و اهتمام در راستای خودشناسی دارای نقاط افتراق بودند. نوذری و زارعی (۱۴۰۰) در پژوهشی را با هدف شناخت مبانی، مفهوم و اهداف تربیت عقلانی از دیدگاه علامه طباطبائی انجام داده‌اند. یافته‌ها مشتمل بر این بود که تربیت عقلانی بر حداقل چهار مبنا استوار است: ۱- منشأ عقل‌ورزی در انسان واقع‌بینی و شعور استدلالی است؛ ۲- منشأ ادراکات و علوم عملی شامل ادراکات نظری، احساسات و عواطف باطنی و قدرت انسان بر تسخیر دیگر موجودات است؛ ۳- احساسات باطنی، به‌ویژه خوف و رجاء، باعث اعتقاد به خرافات می‌شود؛ ۴- عوامل محیطی و وارثی در درک عقلی مؤثر است.

عادل‌زاده نایینی، نوروزی و رحمانی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی از منظر فارابی» که به روش استنتاجی فرانکنا انجام شده است، نتایج ذیل را ارائه کرده‌اند: در نگاه فارابی کسب معرفت یکی از روش‌های مؤثر در تربیت عقلانی است و از سه راه می‌توان به معرفت دست‌یافت: آموختن علم، مشاهده، و کسب تجربه. توجه دقیق‌تر مؤلفان کتب درسی، برنامه‌ریزان آموزشی و معلمان به این روش‌ها می‌تواند در

برنامه‌ریزی و ایجاد زمینه لازم برای تحقق تربیت عقلانی مفید باشد و مدرسه در این زمینه نقشی ویژه دارد.

در تحقیقی با عنوان «تحلیلی بر پیامدهای عقل نظری از دیدگاه ابن‌سینا» که توسط نوروزی و شهریاری (۱۳۹۱) انجام شد، نتایج حاصل مبین آن است که پرورش عقل باید به صورت تدریجی باشد. نظام تعلیم و تربیت نیز باید به گونه‌ای سازماندهی گردد که به فعلیت هرچه بیشتر استعدادها بالقوه کمک نماید. آن‌ها مشخصه‌های اصلی این نظام را به منظور شکوفایی عقل در این موارد عنوان کرده‌اند: توجه به محیط به عنوان یک عامل مبنایی در رشد عقلانی، جهت‌دهی صحیح و دقیق فرد در فرایند اکتساب، در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی، فراهم آوردن زمینه‌های بروز و رشد خلاقیت و ایجاد تنوع در برنامه درسی و محتوای آموزشی.

خلیفه و مرعشی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی و روش‌های تربیت عقلانی از منظر روایات اسلامی» به بررسی جایگاه عقل در نظام تربیتی اسلام پرداخته‌اند. آن‌ها در این پژوهش مبانی و اصول و روش‌هایی تربیتی استخراج کرده‌اند که می‌تواند برنامه‌ریزان و متریبان را به سمت صحیح زیستن هدایت کند و همچنین عقل در مسیر درست تربیت قرارگیرد.

امیلسون^۱ (2007) در پژوهش خود با عنوان «خرد نزد فلوطین» با نگاهی تنزیهی به مقوله واحد می‌نویسد: هیچ چیز را نمی‌توان بر یکتا ضمیمه کرد و هستی دارای کنش درونی و بیرونی است. کنش بیرونی بازتابی از کنش درونی است و از نظر فلوطین استعاره ردپا گذاشتن را نمونه‌ای برای کنش بیرونی است و شناسایی یک چیز روشی برای مالکیت و تصاحب آن چیز است. نفس هم می‌تواند با شناختن و روی‌آوری به بُعد عقلانی، عقل را مالک شود و تصاحب کند و به عبارتی عقلانی شود. گرچه بحث تربیت عقلانی در بین اندیشمندان به مثابه یک مسئله با رویکردهای گوناگونی مطرح است، در دیدگاه همه آن‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و نوع نگرش به آن می‌تواند دلایل تربیتی گوناگونی ایجاد نماید. یکی از ابتکارات و آراء بدیعی که ابن‌سینا در فلسفه اسلامی از خود به یادگار گذاشته، مبحث عقل و مراحل رشد و پرورش آن است. این امر سبب شد که روزنه جدیدی به روی تعلیم و تربیت باز شود. در هر حال ضرورت تربیت عقلانی امری محرز است و اغماض در تدوین روش‌های آن،

1. Emilsson

فرد را از رسیدن به غایت تربیت عقلانی- که همان قُرب الهی است- به گمراهی می‌کشاند. با این نگرش پژوهش حاضر- که در نوع خود جدید است- به واکاوی اندیشه ابن‌سینا، به‌عنوان اندیشمندی عقل‌گرا، درمورد روش‌های تربیت عقلانی می‌پردازد و در پی آن است که با بررسی آراء تربیتی وی آن‌ها را تحلیل و تبیین کند. با توجه به اینکه هدف‌گذاری کلی نظام تعلیم و تربیت کشور ما براساس مبانی اسلامی طراحی گردیده و فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی ما مبتنی بر تعالی جویی و حکمت و فضیلت است، علی‌رغم اینکه امروزه در فلسفه‌های علمی جدید به ارزش‌های متعالی کمتر توجه می‌شود، تدوین نظام تعلیم و تربیت براساس فلسفه اسلامی و حکمت‌های مختلف آن بیش از پیش اهمیت می‌یابد. یکی از این حکمت‌ها حکمت سینایی است. ابن‌سینا، به‌عنوان یکی از مفاخر فرهنگ اسلامی، اندیشه‌هایی نو به جهان ارائه کرده و در زمینه‌های مختلف تربیتی، از جمله تربیت عقل، نظریات دقیقی ابراز داشته است؛ پس تبیین دیدگاه‌های تربیتی او می‌تواند برای نظام تعلیم و تربیت کشور ضروری باشد. این مبحث به‌عنوان یک خلأ اساسی در پژوهش‌های تربیتی احساس می‌شود. به‌همین منظور هدف این پژوهش این است که به این سؤال پاسخ دهد که «روش‌های تربیت عقلانی از نظر ابن‌سینا کدام اند و این روش‌ها چه دلالت‌هایی در پرورش قوای شناختی فراگیران برای نظام‌های آموزشی امروز می‌تواند داشته باشد؟».

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی و با کمک روش تحلیلی و استنتاجی است. در این پژوهش کیفی بعد از انجام مطالعات نظری و کتابخانه‌ای و بررسی تاریخچه مربوط به این پژوهش، اقدام به فیش‌برداری در منابع در حوزه شیوه‌های تربیت عقلانی در اندیشه ابن‌سینا شد که پس از طبقه‌بندی اطلاعات به توصیف روش‌های تربیت عقلانی روی آورده شد. در این مرحله از پژوهش به تحلیل ابعاد و زوایا و بخش‌های گوناگون آن به استنتاج مدلول‌های تربیتی از نظرات ابن‌سینا اقدام شد. جامعه تحلیلی این پژوهش شامل منابع و آثار دست‌اول ابن‌سینا از قبیل رسائل، الإشارات و التنبيهات، التعليقات، تدبیر منزل، النجاه من الغرق فی بحر الضلالات، معراج‌نامه، احوال النفس، الهیات از کتاب شفا و رسائل فی البر ولاثم، به‌همراه شرح و تعلیقات و منابع دست‌دوم از قبیل کتب، رساله، مقالات و مستندات مرتبط با موضوع پژوهش است. این پژوهش را می‌توان دارای دو مرحله دانست: مرحله اول، شناسایی و تبیین مبانی

معرفت‌شناختی از نگاه ابن‌سینا- که توضیحشان گذشت- و مرحله دوم، استنتاج و استنباط دلالت‌های تربیتی در حوزه تربیت عقلانی.

یافته‌های پژوهش

منظور از روش طریقه‌ای است که در میان اصل و هدف امتداد دارد و عمل تربیتی را تنظیم می‌کند و مربی و متربی را به هدف می‌رساند؛ از این رو پرداختن به آن‌ها به‌عنوان یکی از دلالت‌های تربیتی ضرورت دارد. رابطه مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها و فنون تربیتی رابطه‌ای استدراجی و سیر از کلی به جزئی است که از مراتب انتزاعی به مرتبه مصداقی تنزل می‌یابند. همان‌طور که اصول بر مبانی و اهداف متکی اند، روش‌ها نیز بر اصول متکی اند. روش‌های تربیتی نسبت به اصول تربیتی دستورالعمل‌های جزئی‌تری اند که راهنمای عمل تربیتی قرار می‌گیرند. ابن‌سینا روش‌هایی برای تربیت عقلانی ذکر کرده است که به آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱. روش پرورش خلاقیت

خلاقیت از توانایی‌هایی باطنی است که ابن‌سینا برای آن اهمیت و ارزش قائل است. ابن‌سینا بیان می‌دارد که عقل عملی و قوای باطنی (متخیله و متوهمه) با هم مرتبط اند و هنگامی که قوای مذکور در امور و استنباط صنایع انسانی تدبیرکنند، قوه عقل عملی به انسان روی می‌آورد و در تدبیر و تسهیل امور وی را یاری می‌کند؛ زیرا این دو قوه اند که با به‌کارگیری صور خیال سبب اختراع و اکتشاف ابزار، برنامه‌ریزی برای انجام هرچه بهتر امور و به‌وجودآوردن طرح‌ها می‌گردند (ابن‌سینا، ۱۳۸۷، ص، ۱۵۰).

خلاقیت یکی از ویژگی‌های ممتاز و برجسته آدمی است. خلاقیت، به‌معنای ابتکار، نوآوری و ارائه راه‌حل‌های جدید، امری است که از طریق قوه تخیل صورت می‌گیرد. قوه تخیل و خلاقیت متربی باید به سمت‌وسویی سوق داده شود که او را به حقیقت نزدیک و به کشف آن نائل‌گرداند؛ نه آنکه او را از حقیقت دور و منحرف‌سازد (ابن‌سینا، ۱۳۸۷، ص. ۴۰). در بحث از خلاقیت باید این نکته را در نظر داشت که نباید اولین ایده‌ای که به نظر متربی می‌رسد، مورد پذیرش بی‌چون‌وچرای مربی قرار گیرد؛ چراکه این امر باعث می‌شود که وی به‌شدت تحت تأثیر ایده اولیه خود- که ممکن است ایده‌ای بسیار سطحی و پیش‌پاافتاده باشد- قرار گیرد و خلاقیت او آن‌چنان که باید آشکار نگردد؛ از این رو مربی که نقش کنترل و هدایت خلاقیت متربی را به‌عهده‌دارد، باید به او کمک‌کند که از ایده‌های اولیه‌اش جلوتر برود و تنها به یک

راه‌حل و نظر اکتفانکند؛ بلکه راه‌حل‌های دیگر را هم بررسی کند. از جمله روش‌هایی که به پرورش خلاقیت در تربی می‌انجامد، می‌توان به این موارد اشاره داشت:

ایجاد فضای خلاق، انگیزشی و چالشی که تعامل پویای فرد با آن در کانون توجه باشد، زمینه‌ساز ایجاد خلاقیت و بهبود آن در تربی است. محیط مناسب او محیطی است که عاری از هرگونه تقلید و قوانین و هنجارهای غیرمنطقی و دست‌وپاگیر باشد و تربی در آن به راحتی امکان فعالیت داشته باشد. توجه به بازی‌های نمایشی، قصه‌گویی، داستان‌پردازی و تقویت روحیه پرسشگری، از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند خلاقیت وی را بهبودبخشیده و آن را شکوفاسازد.

۲. روش پرورش تعقل

به منظور کسب شناختی کلی، عمیق، دقیق و کامل نیازمند ابزاری به نام عقل و قوه ناطقه هستیم که قادر به ادراک کلی امور است و از ظاهر پدیده‌ها فراتر می‌رود و به ذات امور دست می‌یابد. ابن‌سینا به صراحت به این ویژگی عقل و نقش بسیار مهم آن در شناخت توجه داشته و بیان کرده است که ادراک معقول از سوی عقل قوی‌تر از ادراک محسوس از سوی حس است؛ زیرا عقل امری را تعقل و ادراک می‌کند که باقی و کلی است و با این امر متحد محسوسات می‌شود و به نحوی عین همان می‌گردد و به ژرفای آن و نه ظاهر آن فرومی‌رود؛ ولی نسبت حس به محسوس چنین نیست (ابن‌سینا، ۱۳۸۸، ص. ۲۸۲).

بنابر اهمیت بسیار زیاد عقل به عنوان یک منبع شناخت، لازم است روش‌هایی به منظور پرورش هرچه بیشتر قوای آن لحاظ گردد. رشد و شکوفایی و تکامل هر توانایی و استعداد منوط به به‌کارگیری آن است. این امر اگرچه در بعد قوای جسمانی کاملاً محرز است، در ابعاد ذهنی و عقلانی نیز به صورتی متفاوت از بعد جسمانی قابل تحصیل است. در حیطه ذهن و عقل، تفکر باعث استحکام معلومات می‌گردد و توانایی فرد در حل مجهولات را افزایش می‌دهد. تقویت عقل به معنای از یاد معرفت و درک دلایل و نشانه‌های بارزتر است که به این ترتیب ابزار بیشتری برای شناسایی و حل مجهولات در اختیار عقل گذارده می‌شود (اعرافی، ۱۳۷۶، ۸۷). چنین امری نیز در فلسفه ابن‌سینا به عنوان یک اصل ضروری به چشم می‌خورد. بنابر گفته او همچون قوای جسمانی، عقل هرچه بیشتر به کار گرفته شود و اعمال بیشتری انجام دهد، روی در قوت می‌گذارد و وقتی مسئله دشواری را حل کند، همین امر

او را به حلّ مسائل دشوارتر اعانت می‌کند (ابن سینا، ۱۳۶۰، ص. ۱۴۲). در این زمینه مریبان می‌تواند روش‌های ذیل را به‌کاربرد:

- استفاده از بازی‌ها؛ ابن سینا به این مسئله توجه دارد که یادگیرنده به بازی، دوستی و سخن‌گفتن با هم‌کلاسی‌ها و نشاط نیاز دارد. بازی سبب رشد همه‌جانبه کودک می‌گردد و ارزش آموزشی دارد و یکی از نیازهای اساسی کودکان محسوب می‌گردد (ابن سینا، ۱۳۱۹، ص. ۴۵)؛ گرچه تأکید ابن سینا به بازی به دلیل ارضای نیازهای روحی یادگیرندگان است. یادگیرنده از بازی لذت می‌برد و از آن خسته نمی‌شود. نگرش او به وسایل پیرامون خود باعث می‌شود در بازی‌های خود اسباب‌بازی‌ها را بررسی و آزمایش کند؛ از این رو می‌توان گفت کار وی تحقیق و آزمایش است. در زمینه نیازهای تحولی یادگیرنده بازی به اندازه غذا و گرما و محافظت مهم است. بازی فرصت گسترش مهارت‌های حرکتی و حفظ سلامت جسمانی را فراهم می‌کند. بازی همچنین سبب رشد اجتماعی و درک هیجانی یادگیرنده نیز می‌شود. یادگیرنده در بازی می‌آموزد که چگونه در برابر کمک دیگران پاسخ‌گو باشد و به هنگام مشکلات بازی بردبار و هنگام پیروزی در آن فروتن باشد (محمد اسماعیل، ۱۳۸۳، ص. ۱۲).

۳. گفت‌وگوی استدلالی

بنابر نظر ابن سینا انسان درون جامعه متولد می‌شود؛ به همین دلیل نباید از یادبرد که هدف آموزش علوم به مرتبی جهت برعهده‌گرفتن مشاغل تخصصی در آینده و شرکت در نظام تقسیم کار، هدف ثانویه مدرسه است و هدف اصلی این نهاد همان اجتماعی نمودن یا آماده‌ساختن یادگیرندگان برای حضور در جامعه و درک به موقع و هماهنگ ساختن کارکردها و فرهنگ جامعه جهت نشان‌دادن عملکرد معقول اعم از دانش‌ها، رفتار در جهت رفع نیازها و رسیدن به اهداف جمعی است. افراد برای پذیرفته شدن و عضویت در جامعه‌ای بزرگ باید این مسیر را طی نمایند تا بتوانند با ایفای نقش معین انتظارات جامعه را برآورده سازند. در این راستا ابن سینا آموزش گفت‌وگوی استدلالی را بر آموزش خصوصی ترجیح می‌دهد و در آموزش جمعی میان یادگیرندگان رقابت و گفت‌وگوهای علمی صورت می‌پذیرد و آن‌ها آداب اجتماعی را می‌آموزند؛ ولی در آموزش خصوصی و فردی مربی و مرتبی ملول و خسته می‌شوند (ابن سینا، ۱۳۱۹، ص. ۴۶). در اندیشه شیخ‌الرئیس هدف مدرسه تنها انتقال دانش و اطلاعات

نیست؛ بلکه مدرسه باید فرد را برای مشارکت در زندگی اجتماعی آماده‌سازد. او مزایای آموزش گفت‌وگوی استدلالی را چنین برمی‌شمرد:

الف- ایجاد رقابت در جمع؛ یادگیرندگان همیشه با نشاط و حریص به آموختن علم و ادب اند. گاهی با یکدیگر مباحثات می‌نمایند، گاهی به حال همدیگر غبطه می‌خورند و در مواقعی هم عزت نفس و ادارشان می‌کند از یادگیرندگان عقب نمانند.

ب- صحبت در جمع؛ یادگیرندگان مجتمع با یکدیگر سخن می‌گویند. این سخن‌گفتن باعث فزونی عقلشان می‌شود؛ زیرا هر یک شیرین‌ترین سخنی که دیده یا شنیده به دیگری می‌گوید و این شیرینی موجب شکفتگی، حفظ و گفتن آن به دیگران می‌گردد.

ج- ایجاد رفاقت در جمع؛ یادگیرندگان با یکدیگر رفیق می‌شوند و به یکدیگر احترام می‌گذارند. می‌خواهند از یکدیگر سبقت بگیرند و معاوضه و معادله حقوق نمایند. این اسباب مباحثات و مسابقه بوده و موجب تمرین عادات خوب می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۱۹، ص. ۴۷).

۴. روش گفت‌وگوی پرسش‌محور

روش‌هایی که مربی به وسیله آن یادگیرندگان را به تفکر مفهومی جدید یا بیان مطلبی تشویق می‌کند. در این روش یادگیرندگان تلاش می‌نمایند با کوشش‌های ذهنی از معلوم به مجهول حرکت نمایند. ابن‌سینا به شاگردان خود اجازه سؤال پرسیدن می‌داد و با تفکر و اندیشه به آن‌ها پاسخ می‌داد؛ چنانچه در کتاب المباحثات که به صورت خودمانی با شاگردانش گفت‌وگونموده است، به سؤالات مختلف فلسفی در موارد عدیده‌ای پاسخ‌های متفاوتی داده است (ابن‌سینا، ۱۳۷۱ ب، ص. ۱۵۸). روش گفت‌وگوی پرسش‌محور از نگاه ابن‌سینا سبب شکوفایی هرچه بیشتر عقل می‌شود. وی تصدیق و انکار امور بدون برهان را نکوهیده دانسته است و تجزیه و تحلیل دقیق مسئله را راهی جهت پرورش نیروی عقل و دستیابی به استدلال می‌داند. به عقیده بوعلی آدمی نباید ذکاوت و کیاست خود را در انکار عجولانه به‌کاربرد که این بیانگر ناتوانی فرد است. تندروی در تکذیب امری که هنوز مشخص نشده، زیان آن کمتر از تندروی در تصدیق امر بی‌دلیل نیست؛ به همین سبب آدمی باید به رشته توقف چنگ‌بزند، هر چند که بعید شمردن آنچه شنیده شده، وی را تحریک‌نماید (ابن‌سینا، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص. ۴۱۸). گفت‌وگو از طریق پرسیدن سؤال‌های بنیادی و روشن‌سازی مفاهیم

مورد بحث و توافق بر سر آن‌ها در این روش مطرح بود (قائدی، ۱۳۸۲، ص. ۱۵). روشی که هر نظام تربیتی باید به آن توجه داشته باشد تا در نهایت انسان‌هایی تربیت شوند که در استدلال قوی باشند و توانایی داوری و قضاوت را، حتی الامکان در حوزه و حیطه‌ای که آموزش دیده‌اند، داشته باشند. به منظور کسب و وصول چنین توانایی‌هایی عقلی متربی باید بر روی مسئله تمرکز داشته باشد و با حلّاجی و تجزیه و تحلیل بخش‌های مختلف آن، احاطه کاملی بر همه جوانب موضوع بیابد و سپس برپایه اطلاعات و آگاهی‌های حاصل استدلال آورد، نتیجه‌گیری کند و به قضاوت پردازد.

۵. روش مشارکت جویی (تعاون)

شهر سینیایی برای دستیابی به سعادت برای همه اعضای شهر سامان یافته است. در این شهر مردمی که خود در راه دستیابی به سعادت پیش‌گام اند، می‌کوشند تا براساس مشارکت با یکدیگر - که باید از آن به‌مثابه راهکاری جهت تحقق این هدف در زیست جمعی نام‌برد - امور جامعه را نظم می‌بخشند. نیاز انسان به اجتماع از دیرباز مورد توجه ابن‌سینا بوده است؛ بر همین اساس در تربیت یادگیرندگان یکی از روش‌هایی که بایستی به آن توجه شود، مشارکت است. ابن‌سینا انسان را مدنی می‌داند و از نظر او حیات انسان با زندگی سایر حیوانات از لحاظ نحوه زندگی اجتماعی متفاوت است و اینکه او به‌تنهایی قادر به برطرف نمودن حوائج خود نیست و در این راستا محتاج تعاون دیگران است؛ به این ترتیب که دیگری به رفع پاره‌ای از نیازهای او برمی‌خیزد و او هم پاره‌ای از نیازهای دیگران را برطرف می‌سازد تا جامعه سامان پذیرد (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ص. ۴۴۱). واضح است که تفاوت انسان و حیوانات در این است که وی اگر بخواهد عهده‌دار همه امور معیشتی خود شود و در برآورده ساختن نیازهایش از کمک دیگران بهره‌نگیرد، نمی‌تواند معیشت خود را درست تدبیر نماید؛ بنابراین نیاز است هر یک از آن‌ها از توانایی دیگری بهره‌برند. ابن‌سینا نیاز به غذا، مسکن، همسر و فرزند را به‌منزله نیازهایی طبیعی و روحی که انسان را به زندگی در اجتماع وادار می‌کند، توجه کرده است (ابن‌سینا، ۱۴۱۴، ص. ۴۴۸). جامعه در نظر او تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای سامان بخشیدن به زندگی دنیوی ضروری نیست؛ بلکه در سایه زندگی اجتماعی است که انسان می‌تواند کمالات متناسب خود را دریافت کند و به بالاترین مرتبه سعادت دست یابد؛ بر این اساس ابن‌سینا نظام اجتماعی مطلوب خود را نظامی می‌داند که اعضای در جست‌وجوی به‌دست آوردن سعادت

دنیوی و اخروی کوشش‌کنند و با یکدیگر سازگاری و مشارکت داشته‌باشند؛ بنابراین هرچند کمال زندگی مادی و معنوی انسان در گرو زندگی اجتماعی است، ابن‌سینا هر نظامی را در راستای رسیدن به هدف مطلوب نمی‌داند؛ بر همین اساس در آخرین مقاله الهیات شفا نظام مطلوب خود را ترسیم می‌کند. مدینه‌ای که با رهبری نبی و اجرای احکام و قوانین الهی سعادت انسان‌ها را فراهم می‌آورد. امروزه خانواده‌ها و نظام آموزشی باید مهارت‌های موردنیاز زندگی از جمله مسئولیت‌پذیری را به یادگیرندگان آموزش دهند. با رشد روزافزون جامعه و تغییر سبک زندگی، نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی بیشتر احساس می‌شود. امری که با صرف تکیه بر کتاب و محفوظات حرف محیط آموزشی دست‌یافتنی نیست. همچنین به دلیل تغییرات فرهنگی بسیار زیاد و تغییر روش زندگی، توانایی لازم و کافی در برابر مشکلات و مسائل مختلف زندگی و برخورد با آن‌ها و حل این مسائل باید به یادگیرندگان آموزش داده‌شود تا در برابر مسائل و مشکلات روزمره زندگی آسیب‌پذیر نباشند.

۶. مهارت‌های نفسانی

به دلیل اینکه طغیان‌های نفسانی عقل را هم در قلمرو نظر و اندیشه و هم در قلمرو عمل و کردار به خطا می‌رانند، باید بخشی از روش‌های تربیت عقلانی به مهارت‌های نفسانی اختصاص یابد (باقری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۲۰۵). به عبارت دیگر قوه ناطقه و عقل برای آنکه پذیرنده فیوضات و معقولات باشد و برای آنکه بتواند قضاوتی صحیح داشته‌باشد و به وظیفه‌اش - که راهنمایی و ارشاد آدمی به مسیر سعادت است - عمل کند، باید از اسارت و انقیاد تمایلات نفسانی رهایی یابد. لازمه تحقق چنین امری تقویت و توانمندسازی نفس است. نفس انسان دارای قوا و نیروهای متعدد است که هر یک کارکرد یا عملکردهای مخصوص به خود را دارند. گاه برخی از این نیروها (نباتی و حیوانی) آن‌چنان بر قوای نفس ناطقه تسلط می‌یابند که آدمی را به ورطه هلاک و نابودی می‌کشانند و او را از حرکت در مسیر هدف و غایتی که برایش تعریف شده، منحرف می‌سازند. اقدام مؤثر در اینجا برای رفع این معضل نیرومندساختن نفس است که از طریق تهذیب و تزکیه نفس - که در تأمین سعادت اخروی و تربیت نقشی مثبت دارد - امکان‌پذیر است. این امر با وصول سعادت اخروی (عقل بالمستفاد) با عقل نظری که توأم با آن عقل عملی نیز به بالاترین مرتبه خود باشد، صورت می‌گیرد و این جنبه عملی نفس است که بیشتر با تهذیب و تزکیه ارتباط دارد. نفس نیرومند نه تنها به کارهای بیهوده

تن نمی‌دهد، بلکه از بین برنده موانع رسیدن به هدف نیز هست. ابن‌سینا در این باره چنین بیان می‌کند:

هر چه قدر که نفس قوی‌تر باشد، کمتر از جانب جذب‌کننده‌ها منفعل می‌گردد و هر دو طرف (شهوة و غضب) را شدیداً ضبط می‌کند و نگه می‌دارد و هر چه قدر که ضعیف‌تر باشد، بیشتر منفعل می‌شود و هر قدر نفس قوی‌تر باشد، کمتر به شواغل حسی مشغول می‌شود و وقتی که نفس قوی‌تر باشد این معنی در آن قوی است (ابن‌سینا، ۱۴۰۳ هـ ج ۳، ص. ۴۰۶).

اهمیت نیرومندی نفس در نظام فلسفی ابن‌سینا تا به آن حد است که بیان می‌دارد سعادت اخروی با نیرومندی نفس به دست می‌آید (ابن‌سینا، ۱۳۸۸، ص. ۳۴۹). بنابر گفته ابن‌سینا فضائل انسانی به فضائل نطقی و خلقی تقسیم می‌شوند. فضائل نفس ناطقه فضائل نطقی اند و فضائل جسم اراده‌کننده فضائل خلقی اند. حکمت و کیاست از فضائل نطقی، و عفت و سخاوت و عدالت از فضائل خلقی اند (شمس‌الدین، ۱۹۸۸، ص. ۳۶۱). او فضائل اخلاقی را به دو قسمت فضائل اصلی و فروع آن‌ها دسته‌بندی نموده است. حکمت فضیلت قوه ناطقه، عفت فضیلت قوه شهویه، شجاعت فضیلت قوه غضبیه و عدالت فضیلت حاصل از مجموع آن‌هاست. عدالت فضیلت جامع فضائل عقلی و اخلاقی است. فضیلت حد وسط بین افراط و تفریط است و یکی از ابعاد عقل عملی برای دستیابی به حیات عقلانی است. در بُعد عقل عملی نفس برای رسیدن به حیات عقلانی باید فضیلت و شایستگی کسب نماید. نفس برای فضیلت‌مندی باید به پرورش و تمرین فضیلت پردازد و قناعت و اعتدال را پیشه نماید و در خود آمادگی ادراک امر عقلانی و فضیلت‌مندانه را ایجاد کند؛ لذا باید متریبان از هرگونه افراط و تفریط به دور باشند و ارزش ذاتی حقیقت و اعتدال ملاک ارزیابی اعمال باشد؛ در این صورت نفس انسانی به واسطه داشتن توازن درونی و بیرونی دارای ساحت معنوی و به فضایل آراسته می‌گردد.

شناخت و معرفت آدمی صرفاً از طریق تعامل حواس با محیط حاصل نمی‌شود. از سوی دیگر چنین شناختی سطحی و ظاهری است که تنها قادر به دریافت ویژگی‌ها و کیفیات بیرونی پدیده‌ها است و راهی به عمق و باطن پدیده‌ها ندارد؛ از این رو به منظور کسب شناختی کلی، عمیق، دقیق و کامل نیازمند ابزار دیگری هستیم که آن ابزار همان عقل و قوه ناطقه است که

قادر به ادراک کلی امور است و از ظاهر پدیده‌ها فراتر می‌رود و به ذات امور دست می‌یابد. ابن‌سینا به‌صراحت به این ویژگی عقل و نقش بسیار مهم آن در شناخت توجه‌داشته و بیان کرده است که ادراک معقول از سوی عقل قوی‌تر از ادراک محسوس از سوی حس است؛ زیرا عقل امری را تعقل و ادراک می‌کند که باقی و کلی است و با این امر متحد می‌شود و به‌نحوی عین همان می‌گردد و به ژرفای آن و نه ظاهر آن فرومی‌رود. ولی نسبت حس به محسوس چنین نیست (ابن‌سینا، ۱۳۸۸، ص ۲۸۲).

۷. روش شهود عقلی

تعریفی که در فلسفه اسلامی از شهود عقلی شده است، عبارت است از «مشاهده معقول و طریق کسب معرفت به کمک عقل فعال». ویژگی این شهود این است که درک معلوم کلی (امر معقول) به فعالیت عقلی و روحی احتیاجی ندارد. همچنین ریاضت نفسانی لازم نیست. در این شهود با مفهومی روشن مواجه می‌شویم و جنبه عمومی دارد. خصوصیات و مشخصه‌های این شهود عکس شهود عرفانی است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۹)؛ اما در آثار ابن‌سینا تعریف مشخصی برای شهود عقلانی ارائه نشده است؛ هرچند که تفسیر مشاهده از طریق علم فراست و ارتباطش با عقل فعال برای پی‌بردن به معنای شهود عقلی نزد ابن‌سینا می‌تواند تعبیر قابل‌قبولی برای این شهود باشد (جوزجانی، ۱۳۸۹، ص. ۴۸۱)؛ اما در روی‌کرد سینیوی شهود عقلی دارای دو کاربرد است: یکی کاربرد عملی و دیگری کاربرد اخلاقی. این دو کاربرد مبنای شناختشان عقل نظری است. در حکمت سینیوی فقط از شهود عقلی بهره‌گرفته شده است (ابن‌سینا، ۱۴۰۵ ق، ص. ۴۰) ابن‌سینا در تبیین شهود عقلی تعریفی درباره معرفت دارد که از نظر او مفید و مؤثر است: «حقیقت وقتی قابل‌درک است که نزد مُدرک متمثل شود و او آن را مشاهده کند.» (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ص. ۱۷۲). در اندیشه ابن‌سینا مشاهده مذکور از خصوصیات عقل بالفعل است که با کمک عقل فعال انجام می‌شود. وی می‌گوید که عقل فعال باعث می‌شود که نفس از مرتبه عقل هیولانی به مرتبه عقل بالملکه ارتقاء یابد و یا عقل بالملکه به فعل تام برسد (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ص. ۱۸۷). عقل فعال عامل ارتقاء انسان به کمال است و این مسیر به‌واسطه شهود عقلانی میسر می‌گردد؛ بنابراین در اندیشه ابن‌سینا شهود عقلی راهی برای حاصل شدن معرفت است.

۸. روش پارسایی

از نگاه ابن سینا پارسایی نوعی طهارت و پاکی است و نفس انسان را از چیزهایی که او را از حق بازمی‌دارد، تطهیر می‌کند و نسبت به هر چیزی که غیر حق است، متکبر و بی‌اعتنا باشد (ابن سینا، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص. ۳۷۰). این مطلب به روشنی بیانگر آن است که لازمه دستیابی و رسیدن به حق، بی‌اعتنایی و عدم دلبستگی به دنیاست. اگر نفس بخواهد به درجه کمال برسد، باید از لذائذ مادی و زودگذر و علائق و دل‌مشغولی‌هایی دنیوی رها شود؛ زیرا که آن‌ها زوال‌پذیر و بی‌ارزش اند و وابستگی به آن‌ها همچون وهم و خیال اند. هر کس به دنیا وابسته و دل‌مشغول شد، از تعقل بازمی‌ماند (ابن سینا، ۱۳۶۵، ص. ۱۰۵). نفس زمانی می‌تواند به مقام بصیرت برسد که تعلقات دنیوی را پشت‌سرگذاشته و به مقام قرب معنوی دست‌یافته باشد. در صورت غفلت از تعلیم و تربیت در خودسازی فردی، تعلقات ریاکارانه بر فعالیت‌های تربیتی غلبه‌پیدامی‌کنند. ابن سینا بیان می‌دارد که انسان از علائق مادی و امور دنیوی خلاصی نمی‌یابد و وصول او به درجات عالی میسر نمی‌گردد، مگر آنکه نفس اماره را مهار نماید، حواس ظاهری و باطنی را از شهوات و رفتار ناپسند محفوظ‌دارد، از هوی و هوس نفسانی و خیالات شیطانی پرهیز کند، باطن خود را مصفّانماید، از غیر حق دوری و قلب خود را از معاصی تطهیر و پاکیزه کند (ابن سینا، ۱۴۰۰ ق، ص. ۲۸۲)؛ از این رو باید پیوسته نفس را از اختلاط و احوال قبیحه و مطاوعت امور دنیوی نگهبان شد؛ زیرا اگر برای نفس ملکات رذیله حاصل شود، بعد از مفارقت از بدن دیگر برای آن‌ها زوالی متصور نمی‌گردد؛ چرا که نفس بر حسب فطرت اصلی و جوهر ذاتی از امور دنیوی مفارق است و متابعت از این امور مایه ظلمت و باعث کدورت آن جوهر شریف خواهد گردید (ابن سینا، ۱۳۶۰، ص. ۲۹). از آنجاکه نفس باید در سیر تکاملی خود به بالاترین مراتب کمال و نیک‌بختی دست‌یابد، می‌توان گفت که لزوم زهد حقیقی پشت‌کردن به دنیا در ظاهر و باطن از آن جهت است که یاری‌دهنده انسان در مسیر دستیابی به سعادت است. ابن سینا به صراحت ترک دنیا را از عواملی می‌داند که موجب دستیابی انسان به دورترین غایات و دریافتن سعادت حقیقی می‌گردد و سینه و قلب خود را از محبت و دوستی دنیا و لذات وهمیه مجرد کند تا آنکه به نهایت کمالات انسانی دست‌یابد و آن سعادت حقیقی کمال مختص به خود را دریابد (ابن سینا، ۱۴۰۰ ق، ص. ۲۶۲). به‌طور خلاصه اهمیت و نقش ترک دنیا در دستیابی به کمالات از آن جهت است که عدم دلبستگی به آن باعث می‌شود که

انسان تسلیم فشارهای مختلف روحی، کسالت‌ها و خستگی‌ها و... نگردد، از کمبودها نرنجد و اندوه و ناراحتی به خود راه ندهد و در مجموع زندگی با نشاطی داشته‌باشد؛ اما این عدم دلبستگی به دنیا به هیچ‌وجه به معنای پشت‌کردن به دنیا و تلخ‌زدگانی کردن نیست؛ بلکه به معنای ترک علائق و دلبستگی‌های دنیوی به منظور دستیابی به سعادت بزرگ‌تر است. تربیت مبتنی بر بصیرت به روش عقلانی تکیه دارد؛ از این رو تربیت عقلانی به عنوان روش اساسی در تربیت معرفی می‌شود.

نتیجه‌گیری

متولیان تعلیم و تربیت با توجه به مبانی روانی زیستی و اجتماعی انسان ساحت‌های مختلفی برای تربیت در نظر گرفته‌اند. نظام‌های آموزشی و تربیتی هر کدام به دنبال تحقق ساحت‌های وجودی انسان‌اند. تربیت چندساحتی به علت ارتباط طولی و پیوسته‌ای که با عقل و فعالیت‌های عقلانی دارد، به شدت نیازمند معنویت و عقلانیت در مناسبات میان‌فردی است؛ لذا نظام‌های تربیتی باید نسبت به پرورش و اعتلای تربیت عقلانی در متربیان خود اهتمام‌ورزند و راهکارهای عملی‌شدن خردورزی در تربیت عقلانی را تحلیل و عملیاتی نمایند. داشتن روی‌کرد سازگار با تربیت عقلانی در کمال و ارتقای ساحت‌های متفاوت تربیت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. رشد مهارت‌های عقلانی زمینه‌ساز موفقیت در ساحت‌های مختلف تربیتی و رشد همه‌جانبه ابعاد وجودی آدمی است. در مکتب‌های تربیتی پرورش نیروی عقلانی انسان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به طوری که یکی از ویژگی‌های تربیت را عقلانی بودن آن دانسته‌اند. از آنجاکه ابن‌سینا یکی از فیلسوفان عقل‌گرا است و برای تربیت عقلانی اهمیت ویژه‌ای قائل است، تحقیق در فلسفه عقل‌گرایی او می‌تواند در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه امروز در مورد عقلانیت مفید باشد و نظریه‌پردازی در این زمینه، به شناسایی روش‌های تربیت عقلانی کمک‌نماید و با توسعه فعالیت‌های عقلانی، متربیان را در کسب ادراک عقلانی و لذات ناشی از دانایی کمک‌نماید، آمادگی لازم جهت کسب شایستگی و دستیابی به نیک‌بختی را فراهم‌کند و آنان را در کسب یک زندگی سعادت‌مند و مطابق معیارهای عقلانی موفق‌سازد.

روش‌های تربیت عقلانی مورد نظر ابن‌سینا می‌تواند در مقابل عقلانیت ابزاری ظرفیت مقاومت و مصونیت‌بخشی داشته‌باشد که می‌تواند در مراکز تربیتی همچون مدارس عملاً استفاده شوند. زندگی عقلانی^۱ زندگی گوارا و هدفمند است. مریبان می‌توانند با استفاده از

روش‌های مناسب تربیت عقلانی به پرورش قوای تفکر و ایجاد فضیلت‌های اخلاقی و تقویت حس کنجکاوی در دانش‌آموزان بپردازند، و با بسط عقلانیت در جامعه و محیط‌های تربیتی و روی‌آوری به زندگی عقلانی و معنوی به تحقق حیات حقیقی شایسته انسان کمک‌نمایند. این روش‌ها از نظر ابن‌سینا شامل پرورش خلاقیت (ایجاد محیط خلاق)، پرورش تعقل (بازی و گفت‌وگوی استدلالی)، گفت‌وگوی پرسش‌محور، مشارکت‌جویی، مهارت‌های نفسانی و روش شهود عقلی و روش پارسایی است. آنچه امروزه در نظام‌های آموزشی باید در اولویت قرار گیرد، رشد عقلانی افراد است؛ به‌جهت اینکه در پرتو عنایت به این عامل است که از تربیت ابزاری جلوگیری می‌شود. ابن‌سینا در این زمینه راهکارهایی ارائه کرده‌است؛ به‌عنوان مثال در جهت تحقق روش‌های تربیتی وی در ضعف توانمندی‌های برتر اندیشه، مریبان باید عقل یادگیرندگان را از طریق تمرین منطق تفکر و راه‌های تفکر از کودکی شکوفا سازند و زمینه رشد عقلانی را برای او فراهم کنند و درست‌فکر کردن را به وی بیاموزند. برای جلوگیری از تقلیل عقلانیت به کمیت‌گرایی، مریبان باید شرایطی را فراهم سازند که در آن به‌جای انباشت اطلاعات سطحی، فعالیت‌های عمل‌ورزانه پرورش‌یابند. در جهت رفع چالش عقلانیت معطوف به سودگرایی با استفاده از روش شهودی نفس و با طی مراحل بالای معرفتی، نیازهای مادی در نظر فرد حقیر می‌شوند و نیازهای خیرخواهانه اهمیت پیدامی‌کنند. برای رفع ضعف رشد اخلاقی یادگیرندگان باید مریبان اقداماتی جهت پرورش اخلاقی آن‌ها انجام دهند تا نامبردگان به اهمیت ارزش‌های اخلاقی در ابعاد گوناگون پی‌ببرند و این ارزش‌ها در آن‌ها تقویت شود. براساس این پژوهش پیشنهاد می‌شود متولیان تعلیم و تربیت به آسیب‌های تربیت ابزاری در نظام آموزشی توجه‌کنند و از روش‌های مقاوم‌سازی در برابر این آسیب‌ها در تربیت عقلانی برمبنای اندیشه‌های ابن‌سینا در مدارس استفاده‌نمایند و در برنامه‌های تعلیم و تربیت به عقلانیت حقیقی که نقطه مقابل عقلانیت ابزاری و بازارسازی تربیت است، به‌طور ویژه توجه‌گردد و این مهم به‌وسیله وحدت عقل نظری و عملی تحقق می‌یابد.

منابع

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۴۰۰). رسائل. قم: انتشارات بیدار.

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۴۰۳هـ). *الإشارات و التنبيهات* (محقق نصیرالدین محمد بن محمد بن الحسن الطوسی و قطب‌الدین محمد بن محمد بن ابی‌جعفر الرازی، شارحان) (جلد ۲ و ۳). بی‌جا: دفتر نشر الکتاب.

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۳۸۷). ترجمه و شرح کتاب *نفس شفاء* (محمدحسین نایب‌جی، مترجم و شارح). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (نشر اثر اصلی ۴۰۵ ه.ق.).
ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۴۰۴ ق.). *التعلیقات* (عبدالرحمن بدوی، به تحقیق). بی‌جا: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۴۰۵ ق.). *منطقی المشرقین*. قم: منشورات مکتبه آیت‌الله العظمی النجفی.
ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۳۱۹). *ابن‌سینا و تدبیر منزل* (محمد نجمی زنجانی، مترجم). تهران: مجتمع ناشر کتاب

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۳۶۰). *رسائل* (ضیاء‌الدین دری، مترجم). بی‌جا: انتشارات کتابخانه مرکزی (نشر اثر اصلی ۴۲۷ ه.ق.).

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۳۶۳). *الإشارات و التنبيهات* (حسن ملکشاهی، مترجم و شارح) (چاپ اول). تهران: انتشارات سروش.

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۳۷۵). *الإشارات و التنبيهات* (حسن ملکشاهی، مترجم و شارح). (چاپ سوم). تهران: انتشارات سروش.

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۳۶۴). *النجاة من الغرق فی بحر الضلالات* (محمدتقی دانش‌پژوه، به‌ویرایش و دیباچه). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۳۶۵). *معراج‌نامه* (نجیب‌مایل هروی، به‌مقدمه و تصحیح و تعلیق). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۳۸۷). *کتاب نفس شفاء* (محمدحسین نایب‌جی، مترجم و شارح). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۳۷۱). *احوال النفس* (رساله فی النفس و بقائها و معادها) (احمد فؤاد اهوانی، به تحقیق). قاهره: طبع بدار احیاء الکتب العربیه، عیسی‌البابی الحلبی و شرکاه.

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالله (۱۳۸۸). *الهیات از کتاب شفاء* (ابراهیم دادجو، به‌ویرایش و ترجمه). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

شمس‌الدین، عبدالامیر (۱۹۹۸م). *رساله فی البر والائتم المذهب التربوی عند ابن‌سینا* خلال فلسفته العملیه، جلد ۱، بیروت: الشرکه العالمیه للکتاب.

- احسانی، محمد (۱۳۹۴). تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم، معاونت پژوهش، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اعرافی، علیرضا، بهشتی، محمد، فقیهی، علی نقی، ابوجعفری، مهدی. (۱۳۷۶). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲) اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات سمت.
- باقری، خسرو؛ توسلی، طیبه. و سجادیه، نرگس (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد ۱ و ۲). تهران: انتشارات مدرسه ۸۸.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشگاه و مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بهشتی، سعید؛ علائی، محمد؛ و سلحشوری، الهه (۱۴۰۰). بررسی مبانی معرفت‌شناسی غزالی و ملاصدرا دلالت‌های آن بر تربیت عقلانی. فصلنامه پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، (۲)۱، ۱۱۳-۱۵۰.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). شناخت‌شناسی در قرآن. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- جوزجانی، ابوعبید (۱۳۸۹). شرحی بر حی بن یقظان در: هانری کرین ابن‌سینا و تمثیل عرفانی. تهران: انتشارات سوفیا.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. قم: مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی.
- خلیفه، قدرت‌الله، و مرعشی، سید منصور (۱۳۹۰). مبانی، اصول و روش‌های تربیت عقلانی از منظر روایات اسلامی. فصلنامه مطالعات اسلامی در تعلیم و تربیت، (۳)۲، ۳۵-۷۲.
- داودی، محمد (۱۳۹۰). بررسی تحلیلی مفهوم تزکیه در آثار اخلاقی و فلسفی قم، مجله تربیت اسلامی، (۱۳)۶، ۴۸-۲۵.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). لغت‌نامه دهخدا (جلد ۳). تهران: نشر افست گلشن.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۳۷۴). مفردات الفاظ القرآن. تهران: مرتضوی.
- شکوهی یکتا، محسن (۱۳۸۷). تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و راه‌های دستیابی). تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۴). تفسیر المیزان (ج ۴) (ناصر مکارم شیرازی، مترجم). تهران: نشر بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.

- عادل زاده نایینی، فریبا؛ نوروزی، رضاعلی؛ و رحمانی، جهانبخش (۱۳۹۹). روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی از منظر فارابی. *انسان‌پژوهی دینی*، ۱۷(۴۴)، ۹۳-۱۱۷.
- علائی، محمد (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی نظام‌های معرفت‌شناختی امام محمد غزالی و صدرالمتألهین و پیامدهای آن در قلمرو اهداف و راه‌های دستیابی تربیت عقلانی. (رساله دکتری). دانشکده پردیس علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۲). نقد و بررسی، مبانی، دیدگاه‌ها و راه‌های دستیابی آموزش فلسفه به کودکان. (پایان‌نامه دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت). دانشگاه تربیت معلم، تهران، ایران.
- محمداسماعیل، الهه. (۱۳۸۳). بازی درمانی - نظریه‌ها - روش‌ها و کاربردهای بالینی. تهران: انتشارات دانژه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار (جلد ۲۲) (چاپ ششم). تهران: انتشارات صدرا.
- نوذری، محمود، و زارعی رضایی، محمدحسین (۱۴۰۰). مبانی، مفهوم و اهداف تربیت عقلانی از دیدگاه علامه طباطبائی، فصلنامه پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی ۱(۲)، ۲۵-۴۶.
- نوروزی، رضاعلی، و شهریاری، شهناز (۱۳۹۱). تحلیلی بر پیامدهای تربیتی عقل نظری از دیدگاه ابن‌سینا. فصلنامه آینه معرفت دانشگاه شهید بهشتی، ۱۲(۳)، ۵۳-۸۲.
- نوروزی، رضاعلی؛ غلامی، اکبر؛ حیدری، محمدحسین؛ و سپاهی، مجتبی (۱۴۰۰). روش‌های تربیت عقلانی در رویکرد فیض محور فلوطین. *دوفصلنامه فلسفه تربیت*، ۶(۱)، ۱۰۱-۱۵۱.
- نوروزی، رضاعلی، و حاجیانی، فهیمه (۱۴۰۱). تحلیلی بر موانع تربیت عقلانی از دیدگاه هگل. فصلنامه پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، ۱۶(۴۰)، ۵۲۱-۵۳۹.
- Emilsson, E. K. (2007). *Plotinus on Intellect*. Oxford: Oxford University Press.